روزنامه شهروند
طرح نو

ترجیح می‌دهم زور بشنوم تا زور بگویم

بزرگ‌ترین و سختگیرترین منتقد من، خودم هستم. منتقد درونم حتی گاه مریض گونه مرا به محاکمه می‌کشاند. بهتر است جمله‌ای را که در آخرین جمله کتاب «در فاصله دو نقطه...!» می‌نویسم این‌جا تکرار کنم: «آیا تولدی دیگر، بشارت رهایی از تمام دلبستگی‌ها و سختی‌های پیشین است، یا دادگاهی است که می‌باید در آن به گناه ندانسته‌هایم، اعتراف کنم؟» آری ندانسته‌های من بسیارند. از آن رنج می‌برم. گرچه زمانی هم برای جبران آن برایم باقی نمانده ولی در ارتباط با انسان‌ها در هر زمینه‌ای که باشد بین ظالم و مظلوم، همیشه مظلوم بودن را انتخاب کرده‌ام گرچه این به‌معنای آن نیست که انسان مظلومی هستم...

۱۲

در صفحه ۱۲ بخوانید...
- استادی که شاگردش را نادرخور می‌شمرد | فریدون جنیدی
- دَرد ما خودشیفتگی است | مازیار اسلامی
- مزه‌زندگی تو طبیعت | برشی از رمان مترسک نیمه‌شب راه می‌افتد

آنچه باید بدل به یک گفتمان اجتماعی شود

کم‌آبی؛ معضل جهانی، بحران ملی

عکس: خبرگزاری ایسنا

در صفحه ۱۱ بخوانید...

دیگران
۲۰ سال بعد جامعه بزرگ شکوفا*

از درون
فراموشی مسئولیت اجتماعی در مکان‌های عمومی
جایی خالی نیست

جهان دوم
نه به تصادف؛ چرا و چگونه؟

پرانتز
شهر را امن‌تر کنیم

طرح نو | «آب» محور جنگ و به تبع آن، صلح در آینده است. این موضوع سال‌ها مورد توجه صاحبنظران و استراتژیست‌های سراسر دنیا بوده و هست. صرف‌نظر از این‌که آب عنصری حیات‌بخش است، برای کشوری مانند ایران (و البته تمام خاورمیانه) که حدود سه‌دهه در خشکسالی و کم‌آبی به‌سر می‌برد، اهمیت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی_امنیتی دارد. در اهمیت این موضوع همین بس که در نقاطی از کشور ما بر سر سهم بالادست و پایین‌دست یک رودخانه، درگیری و منازعات فاجعه‌بار صورت گرفته است. از همین‌رو سلسله نشست‌های «آب، فرهنگ و جامعه» با شعار «باید درباره آب گفت‌وگو کنیم» از مهرماه امسال آغاز به کار کرده است. در برگزاری این سلسله نشست‌ها، اندیشکده تدبیر آب ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران و انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات به‌عنوان نهادهای مدنی و مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری به‌عنوان نهادی دولتی، مشارکت داشته‌اند. نخستین نشست از این سلسله بحث‌ها، در تالار مطهری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران با عنوان «بحران آب؛ عوامل و پیامدهای آن در سیاست، اقتصاد، جامعه و فرهنگ؛ و ضرورت گفت‌وگوی اجتماعی درباره آب» برگزار شد. آنچه در بخشی از صفحات «طرح نو» می‌خوانید، خلاصه‌ای از مباحث مطرح شده در این نشست است.

آب؛ مخاطره یا بحران

احمد محسنی | مدرس دانشگاه در رشته ترویج کشاورزی

تامین آب شرب، یکی از مسائل مهم جوامع انسانی است اما مسأله مهمی که باید درباره این موضوع، مدنظر قرار گیرد، این است که آیا موضوع آب در کشور ما درحال حاضر، یک مخاطره است یا یک بحران؟ در پاسخ به این سوال باید گفت در دوسال گذشته همواره وضع بحرانی منابع آب در کشور ما مطرح شده است اما در عمل آن چیزی که در دید مردم قرار می‌گیرد، حسی از بحرانی بودن وضع آب، به مردم نمی‌دهد. فراتر از این بحث، حتی دولت همچنین حسی ندارد؛ حداقل انتظار این است زمانی که بحث از بحرانی بودن منابع آب در شهری مانند تهران به میان می‌آید، دسترسی عمومی به آب شرب کمی محدودتر شود تا مردم در این احساس مشارکت داشته باشند اما با روندی که در زمینه بهره‌برداری از منابع موجود اتخاذ شده است، مردم (به‌ویژه جمعیت حدود ۲۰میلیون نفری تهران و البرز) هیچ حسی از کم‌آبی پیدا نکرده‌اند! آنچه از وضع بحرانی در ذهن عموم وجود دارد بیشتر مربوط به شهرهایی است که در حاشیه کویر واقع شده‌اند یا روستاهایی که با تانکر به آنها آبرسانی می‌شود.

معمولا وقتی در مطالعات اجتماعی پدیده یا حادثه‌ای را بررسی می‌کنیم، پنج مولفه را در آن زمینه، مورد مطالعه قرار می‌دهیم. نخست: تنوع اجتماعی و جنسیت؛ در این زمینه مقصود این است، بررسی شود با وقوع پدیده مورد مطالعه یا حادثه، تنوع جنسیتی افراد تحت تاثیر، چگونه است؟ دوم: افراد تحت تاثیر، چه نوع فعالیت‌هایی دارند؟ سوم: چه دسته‌بندی‌هایی در این میان وجود دارد؟ چهارم: میزان مشارکت در زمان وقوع حادثه، چگونه است یعنی انسجام مردم و این‌که تمایلشان و اعتقاداتشان به مشارکت چقدر است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. پنجم: مخاطره اجتماعی آن پدیده را مطالعه می‌کنیم، یعنی این‌که این حادثه یا پدیده، وقتی که حادث می‌شود چه تأثیراتی را برای ذینفعان یا آن جمعیت متأثر، به وجود می‌آورد.

با توجه به آنچه پیش از این آمد، وقتی بحث از بحران می‌شود، منظور وضعیتی است بسیار وخیم‌تر از شرایط مخاطره. وضعیتی که امروزه در ایران وجود دارد، در همه مناطق وضع منابع آب، بحرانی است اما شواهدی از این بحران دیده نمی‌شود. در نتیجه وضع فعلی و روندی که در پیش گرفته شده است، حساسیت مردم را نسبت به وضع بحرانی کاهش خواهد داد.

مطابق آمارهای موجود و گزارش‌های رسمی، به صورت میانگین در پنج‌سال گذشته، کمتر از ۹۵میلیارد متر مکعب منابع تجدید شونده آب در اختیار داشته‌ایم. کارشناسان می‌گویند از این میزان، ۹۲درصد در بخش کشاورزی مصرف می‌شود به همین دلیل حساسیت عمومی نسبت به آب شرب و صنعت از دست رفته است. براساس نظرات کارشناسی، اگر ۵ تا ۱۰درصد در مصرف آب کشاورزی صرفه‌جویی کنیم، مشکل کم آبی، حل می‌شود بنابراین سوال این است چرا به همه می‌گویند آب کم مصرف کنید؟ ماشین نشویید؟ این موضوع، بحثی اجتماعی است که حساسیت مردم به‌جای این‌که ارتقا یابد، نوعی از رفتار تبلیغ می‌شود که حساسیتشان را از دست می‌دهند!

به هر روی با توجه به تراکم و پراکندگی جمعیت، وضع آب شرب، بحرانی‌تر از وضع آب کشاورزی است. به همین دلیل برای حل معضل کم آبی، ابتدا باید مناطق کشور را از حیث بحرانی بودن یا مخاطره‌آمیز بودن، شناسایی کنیم تا یک سیاست کلی برای همه مناطق پیاده نشود. سپس آسیب‌های موجود در هر منطقه را به صورت کامل مشخص کنیم و تاثیرات متقابل آن را از حیث کجایی و چگونگی دریابیم.

برنامه عمران سازمان ملل «UNDP» در گزارشی آورده است: اگر وضع ایران در ۱۰ تا ۱۵ سال آینده، به همین منوال باشد و هیچ اقدامی صورت نگیرد، ۴۰میلیون نفر از جمعیت ایران باید جابه جا شود؛ این بحث به این معناست که مهاجرت‌های بسیاری از مناطق کم آب به مناطق پر آب خواهیم داشت و اگر این وضع به موقع مدیریت نشود مخاطره‌های ملی در این زمینه خواهیم داشت. نمونه مخاطره ملی (یا کشوری) زاینده رود است؛ که در اثر کم‌آبی و خشکی این رودخانه، یکسری منازعات، اختلافات، تنش‌ها و بعضا درگیری‌های قومی، قبیله‌ای، محلی، منطقه‌ای در این حوزه صورت گرفته است. وقتی نمی‌توانیم اینها را کنترل کنیم؛ به این موارد، مواردی دیگر، به‌طور تصاعدی افزوده خواهد شد. وقتی سیاست‌گذاری‌ها ناکارآمد است، به این تنش‌ها دامن‌زده خواهد شد و همین امر می‌تواند مولد یک مخاطره اقتصادی- سیاسی باشد. مهاجرت‌ها و دسترسی‌های نابرابر در شرایط کم‌آبی به تنهایی می‌تواند به مخاطرات اقتصادی- سیاسی دامن بزند.

ادامه در صفحه ۱۰

> - وقتی بحث از بحران می‌شود، منظور وضعیتی است بسیار وخیم‌تر از شرایط مخاطره. وضعیتی که امروز در ایران وجود دارد، در همه مناطق وضع منابع آب، بحرانی است اما شواهدی از این بحران دیده نمی‌شود. در نتیجه وضع فعلی و روندی که در پیش گرفته شده است، حساسیت مردم را نسبت به وضع بحرانی کاهش خواهد داد.
>
> - مطابق آمارهای موجود و گزارش‌های رسمی، به صورت میانگین در پنج‌سال گذشته، کمتر از ۹۵میلیارد متر مکعب منابع تجدید شونده آب در اختیار داشته‌ایم. کارشناسان می‌گویند از این میزان، ۹۲درصد در بخش کشاورزی مصرف می‌شود به همین دلیل حساسیت عمومی نسبت به آب شرب و صنعت از دست رفته است. براساس نظرات کارشناسی، اگر ۵ تا ۱۰درصد در مصرف آب کشاورزی صرفه‌جویی کنیم، مشکل کم آبی، حل می‌شود بنابراین سوال این است چرا به همه می‌گویند آب کم مصرف کنید؟
>
> - نمونه مخاطره ملی (یا کشوری) زاینده رود است؛ که در اثر کم‌آبی و خشکی این رودخانه، یکسری منازعات، اختلافات، تنش‌ها و بعضاً درگیری‌های قومی، قبیله‌ای، محلی و منطقه‌ای در این حوزه صورت گرفته است. وقتی نمی‌توانیم اینها را کنترل کنیم؛ به این موارد، مواردی دیگر، به‌طور تصاعدی افزوده خواهد شد. وقتی سیاست‌گذاری‌ها ناکارآمد است، به این تنش‌ها دامن‌زده خواهد شد و همین امر می‌تواند مولد یک مخاطره اقتصادی-سیاسی باشد.

یادداشت

اعدادی برای اطلاع

محمدحسین کریم‌پور | عضو اتاق بازرگانی ایران

اگر قرار باشد برای مدیریت منابع آب یا بحران آب، مدلی کلان ارایه کنیم، باید بدانیم هر بوم یا بهتر بگوییم که هر حوضه آبریز، (برای وضوح مفهوم حوضه آبریز کاسه‌ای را درنظر بگیرید که منتهی است به رئوس ارتفاعات منطقه، کاسه‌ای که در قسمت داخل، هر قطره آب را بچکانید به طرف داخل کاسه می‌آید) توان تولیدی معینی برای تولید آب شیرین تجدیدپذیر سالانه دارد. این توان ممکن است در خشکسالی‌ها کمی کمتر شود و در ترسالی‌ها افزایش یابد. اما در مجموع به هر حوضه آبریز، می‌توان یک عدد نسبت بدهیم. به مناطق جغرافیایی هم به نسبت هر حوضه آبریز که حاوی آن است، باز هم می‌توانیم چنین عددی را نسبت داد. به هر روی می‌توان گفت میزان آب تجدیدپذیر سالانه خاورمیانه ۶۶۰میلیارد مترمکعب است. به همین ترتیب طبق مطالعات سال ۱۳۵۳ می‌توان گفت، میزان آب تجدیدپذیر ایران ۱۳۷میلیارد مترمکعب بوده است اما در این مقطع زمانی، وزیر نیرو رسما اعلام می‌کند که این میزان به ۱۲۰میلیارد مترمکعب رسیده‌است. کارشناسان بدبین‌تری هم هستند که عددهای پایین‌تری را مانند ۹۵میلیارد مترمکعب، ذکر می‌کنند.

عدد دیگری هم وجود دارد که می‌شود درباره‌اش خیلی تبلیغ کرد و پشت آن مکانیزم‌ها و منطق ریاضی محکم‌تری گذاشت اما باید قبول کنیم در مدیریت آب استانداردی وجود دارد که می‌گوید انسان نباید بیش از ۴۰درصد آب تجدیدپذیری را که در چرخه طبیعت است، استفاده کند. این عدد ممکن است در یک بوم خاص به ۳۰درصد و در بومی دیگر به ۵۰درصد برسد اما این عدد(۴۰) تقریبا مورد پذیرش کارشناسان است. در مدیریت آب که انسان بیش از ۴۰درصد آب را نباید از مکانیزم‌های چرخه‌های طبیعی بیرون بکشد، این اتفاق به کرات افتاده است اما سوال اینجاست اگر بهره‌برداری بیش از این باشد، چه اتفاقی می‌افتد؟ پاسخ ساده این است که اتفاقات و بحران‌های طبیعی رخ خواهد داد و خود این مکانیزم‌ها هم دچار خلل می‌شوند. زایش آب و تجدیدپذیری سالیانه آن بوم، کاهش پیدا می‌کند.

با توجه به چنین استانداردی و این‌که موجودی آب تجدیدپذیر ایران ۱۲۰میلیارد مترمکعب است، باید سالانه ۴۸ میلیون مترمکعب از موجودی آب تجدیدپذیر را مصرف کنیم که می‌تواند به مصرف کشاورزی، صنعت، معدن آب شرب و هر نوع استفاده دیگر بشر برسد. اما مطابق آمار و اطلاعات موجود، مدت‌هاست از این ذخیره، سالانه بیش از ۱۰۰ میلیارد مترمکعب برداشت می‌کنیم. یعنی از معیار سردستی ۴۰درصدی عدول کرده‌ایم.

ما کشوری هستیم دچار کم‌آبی، جمعیت بالا، مصرف رو به گسترش بنابراین این نوع مصرف برای ما شدنی نیست.